

حوضیره القدسی محل دفن طاهره مکان استراتژیک تشکیلات بهائیت

در مقاله قبلی تا آنجا سرنوشت زرین تاج را پی گرفتیم که وی به اتهام ترور و تبلیغ و اقدام علیه امنیت ملی، توسط حکومت مرکزی دستگیر و روانه تهران شد.

این اتهام به ترور شهید ثالث برمی گردد زیرا وی زمانی که از عراق به قزوین برگشت، شاهد بود که با افشاگری‌های ملامحمدتقی برغانی (پدرشوهر و عمویش) جریان انحرافی بابت همانند جریان شیخیه در حال شکست است لذا به یک اقدام پیچیده و ضد انسانی متوسل شد. شاید این اقدام از روی احساساتی باشد که بر وی غلبه کرده و یا اینکه از سوی کنسولگری قدرت های سلطه که در قزوین مستقر بودند دستوری بر این امر داشت. به هر حال زرین تاج پایه‌گذار اعمال ترور در جریان بابت شد و این روند نیز در طول زمان به تشکیلات بهائیت به ارث رسید. زرین تاج به واسطه این ترور و وقایع فتنه قلعه طبرسی تا دو سال به مدد حمایت های برخی از بابی ها و بهره گیری از تغییر محل اسکان در روستاهای نور مازندران توانست از چشم قانون دور بماند^(۱) اما سرانجام در ماه ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۶ هجری قمری^(۲) - همان سالی که علی محمد شیرازی به اعدام محکوم و حکم مشارالیه در تبریز اجرا شد- دستگیر و به تهران فرستاده شد. به محض ورود زندانی به تهران، محل نگهداری وی به امر شاه در خانه کلانتر تعیین می شود.^(۳)

منزل محمود خان کلانتر که زرین تاج برغانی در آن به مدت دو سال زندانی بود اینک جزء املاک بانک ملی واقع در خیابان فردوسی است. محل اسکان زرین تاج در طبقه فوقانی این خانه بود و تردد آن به گونه ای بود که تنها از طریق نردبام امکان پذیر بود.

زرین تاج در خانه کلانتر نیز دست از تبلیغ اوهمات علی محمد شیرازی، آن جوان حشیشی که به واسطه تلقین های جاسوس انگلیسی مدعی بابت و در نهایت خدایی شد، برنداشت. وی در این خانه توانست شمس جهان خانم، نوه پسری فتحعلی شاه را از مسیر درویشی‌گری خارج ساخته و به بابیگری بکشانند.^(۴) گوبینو در کتاب خود اذعان می دارد که زرین تاج در ایام اقامت در خانه کلانتر توسط زنان مراقبت می شد.^(۵) در این مکان بود که خبر اعدام علی محمد شیرازی را به وی داده و حسرت دیدن او را بر دل زرین تاج گذاشتند.

جریان انحرافی بابت از وضعیت وخیم سیاسی - اجتماعی کشور در اواخر حیات محمدشاه قاجار سوءاستفاده و اعلام وجود کردند، از آن پس بود که قدرت‌های سلطه نیز پشتیبانی خود را از تشکیلات بابت به شکل گسترده‌تری آغاز کردند.

با مرگ محمدشاه در سال ۱۲۲۷ هجری شمسی، کشورهای زر و زور به این جریان امید بسته تا شاید بتوانند اندیشه شیعی را از جامعه ایرانی بزدایند.

در این زمان ناصرالدین میرزای ولیعهد با پشتیبانی میرزاتقی خان امیرنظام (امیرکبیر) راهی تهران شد و پیش از رسیدن به شهر، میرزاتقی خان را به صدراعظمی منصوب کرد. امیرکبیر اندکی پس از رسیدن به قدرت، اصلاحات خود را آغاز کرد و در زمان کوتاه صدارت خویش که تنها ۳۹ ماه طول کشید، اقدامات سازنده ای انجام داد.

تقریباً پنج سال پیش از صدارت امیر کبیر، جریان بابت اعلام موجودیت کرده بود و امیر با توجه به جایگاه سیاسی خود، از ماهیت استعماری این جریان انحرافی کاملاً مطمئن بود. وی معتقد بود از آنجاکه آنها جاسوس و جیره‌خوار قدرت های استعماری هستند باید ریشه‌کن شوند. امیر به درستی دریافته بود که فتنه باب، ریشه‌دار و عمیق است و اگر در سرکوبی آن ائتلاف وقت و مسامحه شود، ممکن است غیر قابل شکست شوند. لذا با جریان بابیگری به مقابله برخاست و تا زمانی که در صدارت قرار داشت با هر حرکت این جریان استعماری به شدت برخورد می کرد و حتی در یک اقدام شجاعانه، علی محمد شیرازی را در تبریز اعدام کرد.

دو سال بعد از اعدام باب، آرامش به کشور بازگشته بود و از او و پیروانش دیگر خبری نبود. قدرت‌های سلطه که چنین دیدند، برای احیای این جریان همت خود را بکار گرفته و با طرح ریزی ترور ناصرالدین شاه، به دنبال احیای مجدد آن برآمدند. یکی از طرح‌های آنها ایجاد شورش بود. سفارتخانه‌های استعمار، گروهی از بابی‌ها را آماده کرده بودند که با ترور شاه در تهران آشوب برپا کنند.^(۶)

بعد از اینکه این سوء قصد به شکست انجامید، شاه دستور برخورد جدی با بابی‌ها و محاکمه زرین تاج برغانی یکی از بازماندگان جریان بابیت را که نقش بسزایی در ایجاد بحران در زمان حیات علی محمد شیرازی داشت، صادر کرد.^(۷)

ابتدا تلاش شد تا از طریق نصیحت و موعظه، آن زن را از ضلالت و گمراهی نجات دهند اما با پافشاری زرین تاج بر مواضع خود تلاش‌ها بی‌ثمر ماند. در نهایت، زرین تاج برغانی به فرمان ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۸ هجری قمری به قتل رسید؛ او را با دستمالی خفه کردند، سپس در چاهی در منزل کلانتر تهران افکندند و سر آن چاه را با خاک و سنگ پر کردند.^(۸)

تغییر مکان قبر زرین تاج برغانی

در سال‌های ۱۳۰۴ - ۱۳۰۳ هجری شمسی رضاشاه جهت تأسیس باشگاه افسران، دستور خرید منزل کلانتر تهران را داد. در حین عملیات احداث باشگاه افسران، استخوان‌های زرین تاج یافت می‌شود و توسط سرهنگ شعاع الله خان علائی، رئیس مالیه ستاد ارتش به منزل یکی از بهائیان، خارج از دروازه یوسف آباد (چهار راه کالج) برده و مجدداً دفن می‌شود. به این ترتیب آنجا تبدیل به زیارتگاه بهائیان می‌شود و به مرور زمان اراضی اطراف آن نیز توسط تشکیلات بهائیت خریداری می‌گردد که بعدها به حظیره القدس، مرکز محفل بهائیان ایران تبدیل می‌شود.^(۹)

تأسیس حظیره القدس مرکزی در تهران

محفل بهائیان ایران طی ابلاغیه‌ای به شماره ۱۱۰۲ مورخ ۱۳۰۵/۹/۲۷ هجری شمسی، سیاوش، مدیر شرکت پارسیان را مأمور می‌کند که به نمایندگی از سوی تشکیلات بهائیت با نظارت غلامرضا امین جهت احداث حظیره القدس، آن منزل را که متعلق به ورثه ضیا بود، خریداری کند.^(۱۰) سه سال بعد سیاوش سفیدوش به دستور محفل ملی بهائیان ایران طی ابلاغیه‌ای به تاریخ ۱۳۰۸/۵/۱۹ موظف می‌شود با استحضار غلامرضا امین، سند مالکیت را به نام شوقی افندی منتقل کند.^(۱۱)

در پنجمین انجمن شور روحانی بهائیان ایران که در اردیبهشت سال ۱۳۱۰ تشکیل شده بود، فاضل مازندرانی از محققان سرشناس بهائی پیشنهاد بنای سالن اجتماعات حظیره القدس را مطرح می‌کند و مورد تصویب شوقی افندی قرار می‌گیرد.^(۱۲) در روز جمعه ۲۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۰ شمسی اولین سنگ بنا به دست غلامرضا امین و میرزا ولی خان ورقا نصب می‌شود.^(۱۳)

تخریب گنبد حظیره القدس

در سال ۱۳۳۴ شمسی حجت الاسلام محمد تقی فلسفی با حمایت از سوی آیت‌الله بروجردی خواستار تخریب حظیره القدس می‌شود. در همین سال پس از اجرای تخریب گنبد حظیره القدس، سرکردگان تشکیلات بهائیت به چاره‌جویی برای جلوگیری از تکرار این حادثه برخاستند و از بازسازی گنبد آن خودداری کرده و تنها به یک شیروانی فلزی روی آن بسنده کردند. از سوی دیگر، شورای ایادی امرالله عالی‌ترین ارگان بهائیان در آن زمان به مسئولان شرکت امنای مرکز اداره موقوفات بهائی در ایران دستور می‌دهد تا کلیه اراضی و خانه‌های اطراف حظیره القدس را از بیم آنکه مبدا توسط مسلمانان خریداری و به مسجد مبدل شود خریداری کنند. به این منظور حبیب ثابت پاسال سرپرست فعالیت‌های اقتصادی بهائیان ایران، مأمور می‌شود که کلیه منازل و اراضی و ساختمان‌های ضلع شمالی و جنوبی و شرقی و غربی حظیره القدس (بین تقاطع چهارراه حافظ - آیت‌الله طالقانی - چهارراه شهید نجات الهی و خیابان سمیه کنونی) را خریداری کند و ادارات مرکزی و شعب شرکت امنای و شرکت سهامی فیروز را به ساختمان‌های موجود در این محدوده منتقل سازد.

پایگاه ساواک

تیمور بختیار بعدها از این مکان با پوشش، برای فعالیت‌های رکن دوم ستاد ارتش استفاده می‌کرد و حتی ساواک نیز پاره‌ای از بازجویی‌های خود را در این مکان انجام می‌داد.^(۱۴) تاجایی که وزارت دفاع آمریکا در اهمیت ساختمان حظیره القدس اشاره دارد که مهمترین ساختمان تشکیلات بهائیت در خیابان تخت جمشید (خیابان آیت الله طالقانی) به عنوان یک مرکز اطلاعات در آمده است.^(۱۵)

به این ترتیب حظیره القدس برای تشکیلات بهائیت به یک مکان مهم و استراتژیک تبدیل شد.

پی نوشت:

- ۱- نصرت الله محمد حسینی، حضرت باب، کانادا، اونتاریو، مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۹۵، ص ۶۰۸
- ۲- نصرت الله محمد حسینی، حضرت طاهره، کانادا، انتاریو، مؤسسه معرف بهائی، ۲۰۰۰م، ص ۲۹۱
- ۳- محمد علی ملک خسروی نوری، تاریخ شهدای امر، جلد سوم، مؤسسه مطبوعات امری، ص ۲۰۶-۲۰۴ و همچنین نگاه کنید به: ابوالفضل و مهدی گلپایگانی، کشف الغطاء عن الحیل العداء، عشق آباد، مؤسسه مطبوعات امری، ۱۹۱۷، ص ۱۱۰
- ۴- نصرت الله محمد حسینی، حضرت طاهره، ص ۲۹۶
- ۵- گوبینو، مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی، ترجمه علی محمد فره وشی، بی جا، بی نا، بی تا، ص
- ۶- روزنامه شرق، شماره ۷۶۲ به تاریخ ۸۵/۲/۲۷، صفحه ۱۹ (تاریخ)
- ۷- نصرت الله محمد حسینی، حضرت باب، کانادا - اونتاریو، مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۹۵، ص ۶۲۰-۵۹۰
- ۸- نیکلای. ال. ام، سیدعلی محمد باب، ترجمه علی محمد فره وشی، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۴۷۷-۴۷۸
- ۹- مجله خواندنی‌ها، سال ۱۵، ش ۷۸، ص ۲۱-۲۲
- ۱۰- یدالله کاندی، تاریخچه ساختمان حظیره القدس مرکزی ایران، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۲
- ۱۱- سیاوش سفیدوش، مؤسسه ملی مطبوعات امری، سنه ۱۳۲ بدیع، ص ۱۷۱-۱۶۹
- ۱۲- اخبار امری ایران، سال دهم، ش ۱۳۱۰، ص ۷
- ۱۳- اخبار امری ایران، سال دهم، ۱ و ۲، ۱۳۱۰، ص ۱۳
- ۱۴- خاطرات حجت الاسلام شجونی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۱۵- دانشجویان پیرو خط امام(ره)، اسناد لانه جاسوسی جلد شماره ۳۷، سند شماره ۱، ص ۸